برای مراقبت از چشم و مغزتان، هر پیام وایبری را نخوانید!

بهمن 18, 1393

به گزارش نشریه الکترونیکی نگاه به نقل از تابناک، اگر از مزایایی چون کم هزینه بودن، قابلیت ارتباط رایگان با نقاط مختلف کره خاکی، ارسال فایل‌های تصویری، ویدئویی و… امثال آنها بگذریم، دنیای رنگارنگ ابزارهای ارتباطی نوین، چندان بی اشکال هم نیست، ولی به این دلیل که اشکالات آن کمتر قابل دیدن است، تا کنون کمتر متوجه وجودشان شده‌ایم.

از جمله این اشکالات، رایگان بودن ارتباطات از طریق این ابزارهاست؛ بله، رایگان بودن ابزارهای ارتباطی چون وایبر، تلگرام، لاین و امثال آنها، برای مایی که مدت ها به عدد و رقم‌های قبض تلفن های همراهمان فکر می کردیم و برای کاهشش برنامه داشتیم، حکم سمی را داشته که اثرات آن در بلند مدت آشکار می‌شود.

این ویژگیِ به ظاهر مطلوب، از یکسو وقت بیشتری از زندگی روزمره مان را به چرخیدن در دنیای مجازی اختصاص داده و به نوعی بر بطالتمان افزوده و از سوی دیگر، برخی محدودیت هایی را از سر راهمان برداشته که کنار آمدن با آن برای بسیاری مان ساده نیست.

البته شاید محدودیت لفظ مناسبی برای بیان ملاحظاتی که در ارسال برخی مطالب از طریق پیامک برای یکدیگر داشتیم، نباشد ولی علت هر چه بود، اگر تا پیش از این هر جوک و لطیفه‌ای را برای یکدیگر ارسال نمی‌کردیم، حالا که به ارتباطات ارزان تری دست یافته‌ایم روشمان را تغییر داده‌ایم و از ارسالشان دریغ نمی‌ورزیم.

بدین ترتیب شاهدیم که موج جوک ها و لطیفه ها در قیاس باگذشته بسیار سریع تر به راه افتاده و منتشر می‌شوند؛ اینقدر که فراگیر شدن برخی انواع لطیفه در یکی دو روز، برایمان عجیب به نظر نرسیده و طبیعی جلوه می‌کند. البته این خاصیت منحصر به ابزارهای ارتباطی نیست و پیشتر در دنیای شبکه های اجتماعی، به طور کامل آن را درک کرده‌ایم.

اما آنچه ارتباط اینترنتی از طریق نرم افزارهایی مانند وایبر، واتس‌اپ و غیره را از ارتباطاتی که در شبکه‌های مجازی رخ می‌دهد،

متفاوت می‌کند، حریم غیر قابل دید این نوع از ارتباطات است. حریمی که ظاهرا قابلیت رهگیری ندارد و به دلایلی از این دست، گاه محل تبادل جوک هایی می‌شود که پیشتر در هیچ نوع ارتباطاتی رد و بدل نمی‌شد.

کافی است کمی به مضمون جوک های رد و بدل شده در چند سال اخیر توجه کنیم تا دریابیم حجم جوک های سیاه تا چه اندازه فزونی یافته است؛ جوک هایی که که بر خلاف لطیفه های با نمک، هیچ نتیجه قابل دفاعی برای جامعه به ارمغان نمی‌آورند، بلکه یا مستقیم زمینه ترور شخصیتی برخی اشخاص، بعضی قومیت ها را فراهم می‌آورند و یا موجبات تخریبشان به مرور زمان را فراهم می‌آورند.

این در حالی است که اگر تعارف را کنار بگذاریم، به نوع ترسناک تری از این جوک ها برخواهیم خورد که یا جنسی هستند، یا تحقیرهای جنس گرایانه در متنشان به چشم می‌خورد و یا ترکیبی از این دست موارد به شمار می‌آیند؛ جوک هایی که شاید خنده های ناگهانی تر را سبب شوند و شاید موجبات تاسف شدید را فراهم آورند اما در پس این احساساتِ آنی، خواه یا ناخواه اثرات شوم خود را برجای می‌گذارند.

کافی است از جمله افرادی باشید که به مدد گوشی تلفن همراهِ هوشمندشان، چرخیدن در این دنیاهای ارتباطی را تجربه کرده اند تا منظور از جوک های سیاه را درک کرده و نقش شان در قبح شکنی از برخی مسائل اخلاقی در جامعه برایتان آشکار شده باشد؛ به ویژه آنجا که به یاد می‌آوریم «حیا» از شاخصه های مورد تاکید در اخلاق ایرانی و اسلامی ماست و می‌بایست در دیدن، در شنیدن و در همه امور زندگی روزمره مراقب خدشه دار نشدنش باشیم.

با این حساب آیا می‌توان انبوه جوک های قومیتی، سکسی، جنسی و… را خواند و از کنار اثراتی که ناخودآگاه بر ذهنمان می‌گذارد به سادگی گذشت؟ آیا می‌توان جوک هایی درباره مسائل جنسی خواند، به آنها خندید و با چند انگشت جنباندن ساده آن ها را در دیگر جمع های مجازی بازنشر داد و نگران آسیب دیدن حیای خود نبود؟ پس چه باید کرد؟

کافی است کمی منصف باشیم تا بدانیم نمره بسیاری مان در دنیای ارتباطات نوین به مرز مردودی نزدیک تر است تا نمره ممتاز، چراکه اگر فرستندهِ انبوهِ جوک های سیاه نباشیم، فرستنده خرد این مضامین آسیب زننده به شمار می‌آییم و در غیر این صورت، دست کم خواننده آنها به شمار می‌آییم. یعنی احتمال آنکه در ابتدای خواندن متن نامطلوبی از خواندن ادامه آن صرف نظر کنیم، کم است.

بدین ترتیب اگر بپذیریم که صرف خواندن این دست جوک ها هم می‌تواند لطماتی برایمان به همراه بیاورد، آن زمان به نظر می‌رسد که بیماری خود را پذیرفته ایم و می‌توانیم به درمانش امیدوار باشیم؛ درمانی که ممکن است با ترک آن گروه هایی همراه باشد که در نرم افزارهای مختلف در آن عضو هستیم و رد و بدل شدن جوک های سیاه در آنها رواج زیادی دارد یا حتی به بخشیدن عطای این ارتباط رایگان به لقایش ختم شود.